

دکتر حمید ناظمیان*

دانشیار گروه اقتصاد

دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

علی رضا اسلامی فر**

دانشجوی دکتری گروه اقتصاد

دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

فصلنامه مطالعات شبه قاره

دانشگاه سیستان و بلوچستان

سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹

(صص ۱۶۹-۱۴۵)

اقتصاد دانشی هند

(الگوی برای توسعه ی پایدار در ایران)

چکیده

توسعه به مفهوم تحول کیفی و گذار از دوره ای به دوره ی دیگر، مستلزم ایجاد تغییر همه جانبه در ابعاد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و... است. توسعه، فرایندی در هم تنیده و دارای ابعاد گوناگونی است. توسعه ی جهان آینده، مبتنی بر اقتصاد دانش محور به زودی فراگیر شده و شکل جدیدی از رفتارهای مدرن اقتصادی را در جامعه ی بشری به وجود خواهد آورد. این مقاله با بیان توصیفی و روش کتابخانه ای سعی دارد ضمن تبیین جایگاه و اهمیت دانش پایگی اقتصاد و نقش آن در حصول توسعه ی پایدار

* Email: dr_nazeman@yahoo.com

** Email: ali_27701@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۳

تاریخ دریافت: ۸۸/۱۲/۱

روند رو به بهبود و حرکت در مسیر توسعه ی هند را مورد بحث قرار دهد که می تواند به عنوان الگویی ارزشمند و قابل انجام برای رسیدن به توسعه در نظر گرفته شود. ازجایی که در این تحقیق می خواهیم وجود رابطه ی بین دانش پایگی و توسعه ی پایدار را توصیف کنیم، روش تحقیق همبستگی می باشد. با بررسی وضعیت هند به عنوان یک الگوی موفق در سال های اخیر در زمینه ی دانش پایگی، معلوم می شود که این کشور راه درستی را انتخاب نموده و در این زمینه به موفقیت های چشم گیری دست یافته است که اگر ایران نیز اتخاذ چنین برنامه هایی را در دستور کار خود قرار دهد، دست یابی به این مهم امری ممکن و قابل حصول خواهد بود.

کلید واژه ها: اقتصاد دانش بنیان، توسعه ی پایدار، جهانی شدن، رشد اقتصادی

مقدمه

توسعه نیازمند برنامه ریزی قوی و متناسب با شرایط و موقعیت هر کشوری است. مایکل تودارو بر این باور است که توسعه را باید جریانی چند بعدی دانست که مستلزم تغییرات اساسی در ساخت اجتماعی و نهادهای ملی و نیز تسریع رشد اقتصادی، کاهش نابرابری و ریشه کن کردن فقر مطلق است. توسعه مجموعه ی نظام اجتماعی را با نیازهای متنوع اساسی و خواسته های افراد و گروه های اجتماعی هماهنگ می سازد و جامعه را از حالت نامطلوب زندگی گذشته عبور داده، به سوی وضع یا حالتی از زندگی که از نظر مادی و معنوی بهتراست، می رساند. (تودارو، ۱۳۸۲: ۲۷) گالبرایت معتقد است: اصول برنامه ریزی و چگونگی اجرای برنامه ها باید منطبق با شرایط ویژه ی هر کشور و هماهنگ با مرحله ی رشد اقتصادی آن باشد (جیروند، ۱۳۷۳: ۶۳) بنابراین نمی توان توسعه را بدون توجه به شرایط هر کشور و شناخت فرصت ها و تهدیدها توجیه کرد. به خصوص این که هدف، توسعه ی پایدار و محور آن نیز دانش باشد. اقتصاد دانایی محور، مبتنی بر تولید، توزیع و استفاده از دانش و اطلاعات است و دانایی محوری گرایش به سرمایه گذاری با تکنولوژی بالا می باشد. توسعه و رشد این اقتصاد، مستلزم بهینه سازی

همزمان مجموعه سیاست های صنعتی، سیاست های توسعه ی علوم پایه و سیاست های توسعه ی فناوری است. بنابراین تأکید اقتصاد دانایی محور، فقط تولید و توزیع اطلاعات و دانش نیست؛ بلکه نکته ی مهم به کارگیری آن ها است؛ یعنی استفاده ی مؤثر و به کارگیری انواع مختلف دانش در تمام فعالیت های اقتصادی.

امروزه دانش یکی از نیروهای رانشی برای تغییرات اقتصادی و اجتماعی در جوامع انسانی به شمار می آید و به عنوان یک کالای عمومی مطرح است؛ چون می توان دانش را بدون از دست دادن با دیگران به مشارکت گذاشت. ولی مهمترین مشخصه ی این کالای عمومی این است که بر خلاف سایر کالا های فیزیکی (مثل سرمایه ی نقدی و غیر نقدی، دارایی های فیزیکی منقول، منابع خام معدنی و طبیعی) استفاده از آن از کمیت آن نمی کاهد و می توان از آن مکرراً استفاده نمود. لذا دانش به عنوان یک منبع دائمی و ناکاستنی همواره در اختیار مصرف کنندگان آن که شامل مراکز تولیدی صنعتی و کشاورزی، مراکز خدماتی مالی، بهداشتی- درمانی، مشاوره ای، آموزشی و غیره هستند، قرار گرفته و با مشارکت مکرر در فرآیند های گوناگون تولیدی و خدماتی سبب افزایش مزیت رقابتی و ایجاد ارزش افزوده در محصولات و خدمات شده و نهایتاً سبب رفاه اجتماعی و کاهش فقر و بی عدالتی و ارتقای روند توسعه ی پایدار می گردد. از این رو می توانیم چنین استنباط نماییم که نقش دانش و آموزش در اهداف توسعه ی ملل بسیار بارز بوده و ارتباط آن با توسعه اجتناب ناپذیر است. توجه دقیق به همین امور در هندوستان سبب شده تا این کشور در سالهای اخیر به رشد و پیشرفت های چشم گیری دست یابد و از مهم ترین نمونه های پیشرفت های اقتصادی زمانه ی ما محسوب گردد.

ادبیات موضوع

توجه به نقش دانش در اقتصاد و رشد اقتصادی موضوع جدیدی نیست و در نظریات اقتصادی گذشته نیز، دانش همواره عامل مهمی در نظریات مربوط به رشد

اقتصادی بوده و فناوری و دانش بر تولید و رشد اقتصادی تأثیر داشته است. در این مورد آدام اسمیت «adam smith» در قرن هجدهم به نقش تخصص در تولید و اقتصاد توجه داشته و فردریک لیست «Friedrich list» تأکید می کند که خلق و توزیع دانش به بهبود کارایی در اقتصاد کمک شایان توجهی می کند. طرفداران شومپیتر «Schumpeter» نظیر هیرشمن «Hirschman»، گالبرایت «Galbrith»، گودوین «Godwin» به نقش ابداع و نوآوری در پویایی اقتصاد توجه خاصی داشته و رومر «Roomer» و گروسمن «Grossman» نیز با ارائه ی نظریه ی جدید در زمینه ی سرمایه ی انسانی، برای علم و دانش در رشد بلند مدت اقتصادی نقش عمده ای قائل می شوند. (معمارنژاد، ۱۳۸۴: ۱۰۸-۸۳) اصطلاح اقتصاد دانش بنیان [Knowledge Based Econom (KBE)] یا اقتصاد دانشی [(KE) Organization FOR Economic Corporation OECD که توسط (Knowledge Economy and Development)] مورد تأکید خاص در استراتژی توسعه ی ملل قرار گرفته، گویای نقش مهم دانش و فناوری در جریان اقتصاد است و از این رو می توان گفت که در اقتصاد دانش بنیان، دانش از نظر کیفی و کمی با اهمیت تر از گذشته است؛ ولی باید گفت که هدف اصلی از تبیین و استفاده از اقتصاد دانش محور نهایتاً دست یابی به توسعه ی پایدار در ابعاد کلان اقتصادی در جوامع مختلف، خصوصاً کشور های فقیر و در حال توسعه می باشد.

تاریخچه ی اقتصاد هند را از آغاز تا ورود به اقتصاد دانشی می توان به سه دوره تقسیم کرد که دوره ی اول آن از دوران پیش از استعمار شروع می شود و تا قرن هفدهم ادامه می یابد. دوران دوم، دوران استعمار انگلیس است که از قرن هفدهم شروع می شود و با استقلال هند در سال ۱۹۴۷ پایان می گیرد و دوره ی سوم از سال ۱۹۴۷ تا حال حاضر ادامه دارد.

از سال ۱۹۹۰ تا کنون، هند به یکی از پیشرو ترین کشورهای در حال توسعه، در زمینه ی اقتصادی تبدیل شده است، در این مدت اقتصاد این کشور به استثنای چند

عقب‌گرد کوچک همواره رشدی چشمگیر داشته‌است. این رشد با مؤلفه‌هایی همچون افزایش امید به زندگی، میزان باسوادی و امنیت غذایی همراه بوده‌است. هند با رشد اقتصادی متوسط ۸ درصد طی ۸ سال گذشته به یک قدرت اقتصادی تبدیل شده‌است. این میزان رشد نزدیک به رشد اقتصادی کشور همسایه ی آن «چین» است. بر اساس برابری قدرت خرید، اقتصاد هند اکنون چهارمین اقتصاد بزرگ جهان به شمار می‌آید. میلیون‌ها نفر هنوز در فقر شدید زندگی می‌کنند و در آمد سرانه در هند ۷۲۰ دلار آمریکا در سال است. البته مشکلات زیربنایی نیز در هند ادامه دارد.

اگرچه هنوز بیش از ۳۴٪ جمعیت هند کمتر از یک دلار در روز درآمد دارند (رتبه ۲۲ دنیا) و حدود ۸۰٪ مردم با کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند (رتبه ۱۶ دنیا) و بیش از ۳۰۰ میلیون نفر در زیر خط فقر زندگی می‌کنند؛ اما پیشرفت‌های اقتصادی عظیم این کشور در چند سال اخیر رشد اقتصادی هند را به رقم ۸٪ رسانده و کارشناسان پیش بینی می‌کنند در سال‌های آینده هند به رشد اقتصادی ۱۰٪ در سال نیز نایل گردد. (گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۸)

اگر روزی، نام هند فقر و تنگدستی را به یاد می‌آورد، اکنون پیشرفت‌های اقتصادی و رنسانس علمی این کشور توجه همگان را به خود جلب کرده‌است. مدت‌هاست که سرمایه‌گذاری‌های عظیم خارجی در این کشور امری عادی به شمار می‌آید و فروش کالاهای هندی در بازارهای جهان به شدت افزایش یافته‌است.

کارشناسان سرآغاز پیشرفت‌های اقتصادی هند را سال ۱۹۹۱ می‌دانند. در این سال مانموهان سینگ وزیر دارایی هند، برنامه‌هایی را برای خروج کشور از اقتصاد برنامه‌ریزی شده به تصویب رساند و به تدریج به اجرا درآورد. از آن زمان به بعد به تدریج قوانین مالیاتی دست و پا گیر لغو شده، قوانین صادرات و واردات کشور تعدیل شدند، امکان سرمایه‌گذاری خارجی فراهم آمد و امنیت سرمایه‌های داخلی تأمین شد. مانموهان سینگ

اکنون نخست وزیر هند است و توسعه ی طرح‌هایی را که خود شروع کرده، ادامه می‌دهد. تحلیل گران اقتصادی پیش بینی می‌کنند هند تا سال ۲۰۲۰ میلادی پس از آمریکا و چین سومین کشور صنعتی جهان باشد و درآمد سرانه ی کشور به ۵۰۰۰ دلار برسد. (گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۹)



طبق سنجشی که بر اساس برابری قدرت خرید صورت گرفته، اقتصاد هند با داشتن تولید ناخالص داخلی (GDP) ۶۱۱/۳ تریلیون دلار، مقام چهارم را دارد. طبق محاسبه بر اساس نرخ برابری ارزی با دلار آمریکا، تولید ناخالص داخلی این کشور با رسیدن به میزان ۸/۷۱۹ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵، در مقام بیستم را به خود اختصاص می‌دهد. (گزارش بانک جهانی ۲۰۰۹) در پایان سه ماهه اول سال ۲۰۰۶، اقتصاد هند با رشد ۹/۸ درصدی تولید ناخالص داخلی (گزارش بانک جهانی ۲۰۰۷) از نظر سرعت رشد دومین اقتصاد مهم جهان بود. با این حال تعداد بسیار بالای جمعیت باعث شده است

درآمد سرانه طبق برابری قدرت خرید به ۳۳۰۰ دلار و بر طبق تولید ناخالص داخلی اسمی به ۷۱۴ دلار برسد. (گزارش بانک جهانی ۲۰۰۸)

اقتصاد هند، اقتصادی متنوع است و کشاورزی، صنایع دستی، نساجی، صنعت و گستره ی وسیعی از خدمات را در بر می گیرد. گرچه هنوز دوسوم نیروی کار هند، درآمد خود را بطور مستقیم یا غیر مستقیم از بخش کشاورزی بدست می آورند، نقش بخش خدمات در اقتصاد هند اهمیت روز افزونی به خود گرفته است. آغاز عصر دیجیتال و خیل فراوان جمعیت تحصیل کرده و مسلط به زبان انگلیسی در هند، به تدریج اقتصاد این کشور را برای آن دسته از شرکت های بین المللی که به مشتریان خدمات ارائه می دهند و پشتیبانی فنی خود را برون سپاری می کنند، به یک مقصد مهم تبدیل کرده است. هند یکی از مهم ترین صادرکنندگان نیروی کار متخصص در زمینه های خدمات مالی و نرم افزاری و مهندسی نرم افزار است.

طرح مسأله

با دانش محور شدن اقتصاد، فرصت استفاده و پشتیبانی از منابع اقتصادی جهان به وجود آمده و از تجربه ی کشورهای پیشرو در این زمینه استفاده کرده و از خدمات مناسب با زمان کمتر و سود بیشتر بهره خواهیم برد. این که اقتصاد دانشی به عنوان یک پدیده ی جدید در امر توسعه نزد بسیاری از اقتصاد دانان از اعتبار خاصی برخوردار است و برخی از کشورها نظیر هند نیز با دانش محور کردن اقتصاد خود به پیشرفت های چشم گیری نایل آمده اند، از اعتبار بالایی برخوردار است. چرا که ارتقای درجه ی دانش پایگی اقتصاد، که در نتیجه ی رشد علمی و فرهنگی و کاربردی شدن علوم حاصل می شود، زمینه ساز اصلی و عامل تعیین کننده ی توسعه ی پایدار است.

برخی اقتصاددانان مانند دنی کوا «danny kova» استاد مدرسه اقتصاد لندن ترجیح می دهند اقتصاد مبتنی بر دانایی را اقتصاد بدون وزن بنامند؛ (درخشان، ۱۳۸۴: ۱۲) زیرا

برخلاف گذشته که رشد اقتصادی را بر حسب تولید محصولات سنگین همچون فولاد و تجهیزات و ماشین آلات سنگین صنعتی و نظایر آن تعریف می کردند، امروزه رشد اقتصادی بر حسب محصولات سبک الکترونیکی تعریف می شود و نیز به این نکته توجه می شود که سهم دانش در ارزش افزوده به مراتب بیش از سهم سایر عوامل تولید است. از این رو می توان ادعا کرد مهم ترین عامل تعیین کننده در سطح زندگی در کشورهایی که در خط مقدم توسعه هستند، سهم دانش در تولید کالاها و خدمات است.

برخلاف اقتصاد سنتی، در اقتصاد دانش محور، سرمایه گذاری و تکنولوژی به طور متقابل ارزش یکدیگر را بالا می برند. تکنولوژی می تواند بازگشت سرمایه را به میزانی که نیروی کار و منابع مادی توانایی افزایش آن را ندارند، ارتقا بخشد.

در اقتصاد سنتی توسعه ی اقتصادی یکنواخت، خطی و کند است، انتخاب نوع کالاها مبتنی بر خواست تولید کننده می باشد. در این نوع اقتصاد بازارها همگن و متجانس فرض می شود و یک برنامه ی مشخص بازاریابی در مورد همه ی آن ها اجرا می شود. منبع اصلی مزیت رقابتی در اقتصاد سنتی دسترسی آسان به مواد اولیه، نیروی کار ارزان، نقدینگی، کاهش هزینه ی تولید از طریق صرفه جویی های مقیاسی یعنی تولید انبوه می باشد. در این اقتصاد وحدت شرکت ها و ادغام آن ها به ندرت صورت می گیرد.

اما در اقتصاد دانش محور، توسعه ی اقتصادی دست خوش تغییرات بسیار شدید است و به علت تحولات تکنولوژی و رقابت، چرخه ی حیات کالاها در آن بسیار کوتاه مدت است و انتخاب نوع کالا نیز کاملاً مشتری محور است. گردانندگان اصلی اقتصاد دانش محور، شرکتهای دانش محور و کارآفرینان مبتکر می باشند و گستره ی رقابت در آن بین المللی است. در این اقتصاد بر پایه ی شرایط خاص هر بازار برنامه بازاریابی

متفاوت، کالای متفاوت، قیمت متفاوت و روش های پیشبرد فروش متفاوت در نظر گرفته می شود.

تحول پذیری فعالیت ها در اقتصاد دانائی محور، بسیار سریع و متناسب با انتظارات بازار است و این فرصت های موجود در بازار است که به مدیریت دیکته می کند که در قبال انگیزه و روش توسعه ی دادوستد و راه برد آن، استراتژی های متغیر داشته باشد. تولید در سازمان های تولیدی به صورت منعطف می باشد و منبع نوآوری آن، تحقیق و ابتکار سیستمی است. جهت گیری اصلی فن آوری و روند حرکت آن در اقتصاد دانش محور به سمت رایانه ای کردن تمام مراحل طراحی، ساخت و... و همینطور بهره گیری از تجارت الکترونیک و فناوری ICT می باشد. برای گذار از اقتصاد سنتی به اقتصاد دانش محور باید به سه عامل مهم که موفقیت هر کشور در گرو آن هاست، توجه کرد: اول، دانش به عنوان سرمایه ی معنوی و مؤلفه ای که در تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها نقش کلیدی دارد. دوم، تحولات سریع و مداوم که شرایط را پیچیده کرده است و سوم، جهانی شدن است که همه ی این تلاش ها برای دستیابی به آن می باشد.

توسعه ی پایدار عبارت است از توسعه ای که نیازهای کنونی جهان را بدون آنکه توانایی نسل های آتی را در بر آوردن نیازهای خود به مخاطره بیفکند، تأمین می کند. برخی برای توسعه پایدار سه رکن اساسی متصور شده اند: پایداری زیست محیطی (اکولوژیکی)، پایداری اقتصادی و پایداری اجتماعی. (Shriberg, ۲۰۰۲:۲۳) کارآمدی هر سیستمی به لحاظ کردن هر سه بعد پایداری (اکولوژیکی، اقتصاد و اجتماعی) است. دنیایی که مک لوهان، آن را دهکده ی جهانی و تافلر از آن به عنوان خانه ی جهانی و پستمن آن را دنیای همراه می نامند، دنیایی است که دوران دانشمندی در آن پایان پذیرفته و دوران روشمندی و کاوشگری فرا رسیده است. (خنیفر، ۱۳۸۳:۲۲)

اصل عدالت بین نسلی، اصل عدالت اجتماعی (عدالت دوران نسلی)، اصل مسئولیت فرامرزی، اصل وابستگی متقابل انسان و طبیعت، اصل زندگی ملایم در زمین و حفظ تنوع زیستی، اصل مشارکت اثر بخش تمام افراد و گروهها در تصمیم‌گیری‌هایی که زندگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد، توجه به فرهنگ و دانش بومی، برابری جنسیتی، صلح و امنیت، دسترسی به اطلاعات معتبر را به عنوان اصول فرآیند توسعه پایدار معرفی می‌کنند. (Filho, 2000: 14) در جهت‌گیری‌های توسعه، باید سازمان‌ها را به گونه‌ی مجموعه‌ای از نظام‌های پیچیده و زنده توصیف کرد که اجزای آن‌ها در توازن منطقی با یکدیگر قرار دارند و هدفی مشترک را دنبال می‌کنند و فرآیندی مشترک با نگرشی پویا و به هم پیوسته دارند؛ اما متأسفانه آنچه که در برنامه‌های توسعه‌های ملی ایران در دوران اخیر ارائه شده است، به نسبت آنچه که دیدگاه قانون اساسی و تفکر اسلامی مطرح می‌کند و نیز در مقایسه با کشورهای که علم فناوری را محور توسعه خود قرار داده‌اند، تفاوت چشمگیری دیده می‌شود. (مکنون، ۱۳۷۶: ۷۶) برنامه‌های توسعه‌ی اقتصادی برای جوامع جهان سوم که از اواسط دهه‌ی ۱۹۵۰ به این طرف از سوی قدرت‌های بزرگ سرمایه‌داری، به ویژه آمریکا، پیاده شدند در عمل نتوانستند رشد اقتصادی قابل توجهی را در بسیاری از کشورهای مزبور به وجود آورند. (Duffield, 2001: 17) کشورهای در حال توسعه برای دست‌یابی به توسعه‌ی پایدار، بایستی بر اساس شرایط و موقعیت جامعه خود برنامه‌ای تدوین کنند که بتواند در یک فرآیند مشخص و استفاده از همه‌ی ظرفیت‌های ملی با نگرش اقتصادی گام بردارند. با تکیه بر وجود منابع داخلی و یا استفاده از نسخه‌های تجویز شده، بدون توجه به شرایط محیطی، نمی‌توان به توسعه‌ای پایدار دست یافت.

جرجینالدگرین با بررسی تجربیات و آرزوهای کشورهای کمتر توسعه یافته ۹ عنصر اصلی را استخراج می‌کند که به نظر وی، نقش محوری برای دولت ایفا می‌کند. در اینجا به پنج مورد از این عناصر اشاره می‌کنیم:

۱- خود اتکایی فزاینده ی ملی عنصر اول در توسعه است. در اینجا عنصر کلیدی ایدئولوژی است. به طور غالب، در کشورهای در حال توسعه این باور خطرناک وجود دارد که بدون سرمایه، نیروی انسانی و تصمیم خارجی نمی توان کاری انجام داد. البته این خطر در صرف استفاده از منابع مالی، نیروی متخصص و شناخت و فکر خارجی نیست؛ بلکه جانشین کردن آن به جای تلاش ها و منابع ملی است. سه زمینه ی کلیدی برای عمل در جهت خود اتکایی عبارتند از: ۱- بعد مالی؛ ۲- نیروی انسانی سطح بالا برای تصدی پست های مدیریتی و تکنیکی؛ ۳- مفهوم کلی توسعه.

۲- عنصر دوم، توسعه ی نیروی انسانی است که به گونه ای بسیار وسیع مورد تاکید قرار گرفته است؛ اما به ندرت این امر در چارچوب استراتژی ملی توسعه نیروی انسانی انجام گرفته و از راه یک برنامه ی آموزشی ملی وابسته به آن تأمین و با تخصیص نیروی انسانی برای تأمین رفتن افراد مناسب به مشاغل تعیین کننده ی پشتیبانی شده است.

ج ۳- سومین عنصر، داشتن یک استراتژی توسعه ی روستایی است؛ به ویژه که شمارکثیری از جمعیت کشورهای در حال توسعه در مناطق روستایی زندگی می کنند و درگیر کشاورزی، دامداری و ماهیگیری هستند و استراتژی یا برنامه ویا طرحی که توجه متمرکزی به بخش روستایی نداشته باشد، جنبه ی ملی نخواهد داشت.

ج ۴- چهارمین عنصر، تغییر ساختار اقتصادی برای به دست آوردن نرخ رشد طبیعی اقتصادی بسیار پویا و ظرفیت یا بازده بالا برای افراد است.

ج ۵- پنجمین عنصر، کنترل کلی فعالیت های اقتصادی است که بخشی از آن ناشی از تمایل کلی به دفاع از واقعیت استقلال و بخشی نیز ناشی از رشد واقع گرایانه این نکته است که اعمال کنترل ملی بر جهت و تغییرات یک اقتصاد با بازار آزاد که زیر سلطه ی شرکت های خارجی است، چه سخت می نماید. (همتی، ۱۳۷۶: ۹۲)

ویژگی های اقتصاد دانش پایه

۱- اقتصاد دانش پایه اقتصاد کمیابی منابع نیست؛ بلکه اقتصاد فراوانی منابع است. بر خلاف بسیاری از منابع که هنگام مصرف مستهلک می شوند، اطلاعات و دانش که اساس اقتصاد دانش محور است، می تواند بارها مصرف شده و با مصرف بیشتر در واقع رشد کند.

۲- در اقتصاد دانش پایه، دانش به کالا تبدیل شده و به فروش می رسد. هم اکنون بازارهای مجازی برای خرید و فروش دانش در جهان شکل گرفته و افراد با اعلام قیمت دانش خود، آن را در معرض مبادله قرار می دهند. بازار دانش بازاری بسیار ناهمگن است و هر کالا کیفیت و قیمت خاص خود را دارد. صاحبان دانش در واقع به صورت انحصاری یا شبه انحصاری عمل می کنند.

۳- اقتصاد دانش پایه، اقتصاد بدون وزن (Weightless economy) است. اگر نشانه های اقتصاد فیزیکی، کارخانه های فولاد، پتروشیمی، اتومبیل سازی و ادارات مستقر در آسمانخراش هاست، نشانه های اقتصاد دانش پایه، مدارهای (Circuits) پیچیده، بسیار کوچک و با یکدیگر تلفیق شده، و فکرها (Ideas) یعنی نرم افزارها است. آن چه در این اقتصاد به عنوان ارزش شناخته می شود، از نوع فکری (Intellectual) و غیر قابل لمس است.

۴- ارزش و قیمت محصولات و خدمات در اقتصاد دانش پایه به شرایط بستگی دارد. یک اطلاع یا دانش معین می تواند ارزش و قیمت بسیار متفاوتی برای افراد مختلف در زمان ها و مکان های مختلف داشته باشد.

۵- در اقتصاد دانش پایه، دانش وابسته به نظام ها یا فرآیندهاست و بنابراین دارای ارزش ذاتی بیشتری است. دانش موجود در مغز افراد به راحتی از درها خارج می شود.

۶- در اقتصاد دانش محور، دانش و اطلاعات به هر جا که تقاضا برای آن بیشتر و موانع در مقابل آن کمتر باشد، نفوذ کرده و قوانین از جمله قوانین مالیاتی در سطح ملی به سختی قابل اعمال است.

۷- محلّ فعالیت در اقتصاد دانش محور، اهمیّت ندارد؛ زیرا با استفاده از فناوری ها و روش های مناسب، بازارها و سازمان های مجازی بوجود می آید و در خدمت فعالیت قرار می گیرد. آنچه مهمّ است سرعت عمل در فعالیت ها و دست رسی به کل جهان است.

۸- در اقتصاد دانش محور، دانش موجود در محصولات و خدمات غنی از نظر دانش، قیمت محصولات قابل مقایسه اما دارای دانش بری کمتر را تعیین می کند.

۹- در اقتصاد دانش پایه، سهم قابل توجهی از GDP سرانه از رشته فعالیت های مبتنی بر دانش و دانش ساز مانند صنایع دارای فناوری عالی و متوسطه، خدمات مالی و تجاری و فعالیت های آموزشی و پژوهشی ایجاد می شود.

اقتصاد دانشی هندوستان

کوالسکی و دیهل (Kowalski P , Diehl N , India's 2009 NO 8) در رابطه با عوامل دانشی تأثیر گذار بر روند توسعه ی پایدار هندوستان در مقطع زمانی بین سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷ تحقیقات گسترده ای انجام داده اند. در این تحقیقات، ابتدا در مورد رشد اقتصادی هندوستان و ساختار و عملکرد آن در ابعاد کلان بحث شده و سپس به اصلاحات مؤثر در امر سیاست تجاری پرداخته شده است. چکیده ی این تحقیقات حاکی از این است که هندوستان، راه درازی برای کاهش تعرفه ها در محصولات غیر کشاورزی پیموده است. به عبارت دیگر از سال ۱۹۹۱ کوشش های استراتژیک هندوستان برای قراردادن اقتصاد خود در مسیر توسعه ی پایدار آغاز شده است که به دنبال آن، رشد اقتصادی این کشور شتاب بیشتری یافته و از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ این رشد به میزان

۷/۴٪ بوده است. متوسط رشد سالانه این کشور در بخش اقتصاد، از سال ۱۹۹۰ تا ۲۰۰۷ به میزان سالیانه ۳/۸٪ بوده است که به دو برابر شدن در آمد سرانه در این کشور منتهی شده و سطح فقر نیز به میزان قابل توجهی کاهش یافته است. لذا ساختار پیشرفت اقتصادی دانش محور در هندوستان را می توان مطابق با قوانین سازمان تجارت جهانی دانست. (گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۷)

نتایج حاصل از این تحقیقات حاکی از این است که مسیر توسعه در هندوستان را نمی-توان مشابه با روند توسعه ی ژاپن، کره و یا سایر کشورهای موسوم به ببرهای آسیا (Asian Tiger) در مجموعه ی آسه آن (ASEAN) دانست. نکته ی مهم این است که هندوستان در بخش خدمات دانش محور پیشتر از بخش صنعت سرمایه گذاری کرده است و رمز موفقیت این کشور نیز در همین امر بوده است.

سیاست گزاران اقتصادی در هندوستان به این نتیجه رسیده بودند که به علت کهنه بودن تجهیزات صنعتی در کشور، به هزینه ی بسیاری بالایی برای مدرن سازی آن ها نیاز است. از این رو، تقویت بخش تجارت و استفاده از فناوری اطلاعاتی برای تولید نرم افزارهای گران قیمت و ارایه ی خدمات برای فناوری اطلاعات برای مشتریان اروپایی کمک زیادی به اقتصاد این کشور کرده است.

بر اساس آمارهای موجود ۲٪ سرانه GDP در هندوستان بر اساس صدور محصولات دانشی این کشور به امریکا بوده است. شکل اصلی هندوستان، ساختار ضعیف صنعتی این کشور است. که در مقطع بین ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ هنوز سهم اندکی از بازار جهانی را در زمینه ی تولیدات صنعتی در اختیار دارد و به خاطر حمایت از صنایع خود نمی تواند بازار خود را به روی محصولات صنعتی مدرن جهان کاملاً باز نماید. از این رو به اجبار، هنوز از تعرفه های با لایبرای محدودیت در واردات صنعتی استفاده می کند.

با این حال آمارهای موجود حاکی از این هستند که هندوستان تعرفه های وارداتی را مستقیماً برای مصرف کنندگان داخلی مطرح نمی کند و ۷۲ تا ۱۰۰٪ تعرفه ها برای مراکز تولیدی و تجاری کشور است. این امر سبب می شود تا اولاً مصرف کنندگان مستقیماً متحمل فشارهای ناشی از افزایش تعرفه ها نشده و ثانیاً مراکز صنعتی و خدماتی کشور فقط در صورت نیاز مبرم به واردات محصولات اولیه یا ماشین آلات و با توجه به بازده اقتصادی آن ها نسبت به آن اقدام نمایند. ولی از آن جا که این سیاست به طور غیر مستقیم فشارهای اقتصادی را بر مصرف کنندگان داخل تحمیل می نماید، هنوز نمی توان به مؤثر بودن این سیاست ها اطمینان داشت. با این حال باید گفت که هندوستان از سال ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۷، نرخ تعرفه های وارداتی برای کالاهای صنعتی را از ۸۲٪ به ۱۵٪ کاهش داده که این خود در مقایسه با کشورهای مثل ایران بسیار قابل توجه است. (گزارش بانک جهانی، ۲۰۰۸)

مقایسه های آماری نشان می دهد که در هندوستان، بیشترین کاهش تعرفه ها در منطقه ی آسیا به اجرا گذاشته شده است. سهم کشور هندوستان در افزایش میزان صادرات در سال های ۲۰۰۶ و ۲۰۰۷ بین ۸/۶٪ تا ۹/۷٪ بوده است که این امر سبب شده تا سهم این کشور در صادرات محصولات و خدمات در سطح جهان از ۰/۵٪ در ۱۹۹۱ به ۱/۷٪ در سال ۲۰۰۷ رسیده و تقریباً دو برابر شود. از سوی دیگر باید گفت که میزان باز بودن تجارت

(trade Openness) از ۱۶٪ در سال ۱۹۹۱ به ۴۵٪ در سال ۲۰۰۷ رسیده و در واقع تا سه برابر افزایش یافته است. ولی علی رغم کاهش موانع تجاری در این کشور، بانک جهانی معتقد است که از لحاظ شاخص سهولت تجارت (ease of doing business) هندوستان در بین ۸۱ کشور جهان در رتبه ۱۲۲ قرار داد. (گزارش بانک جهانی ۲۰۰۹)

برخی از موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای در هندوستان هنوز بر روی شرکت های کوچک در بخش های خاص سایه افکنده و همانند بسیاری از کشورهای منطقه ی آسیای

جنوب شرقی، سرمایه گذاران از بوروکراسی های اداری و قوانین دست و پاگیر شکایت دارند. هنوز برای ایجاد اصلاحات در قوانین تجارت و برخورد مناسب با ورشکستگان به تسهیلات بیشتری نیاز است. ولی باید گفت که علی رغم این مشکلات، میزان رشد GDP در هندوستان از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۴ سالانه تا ۵/۸٪ بوده است و جمعیت زیر خط فقر از ۴۶٪ در ۱۹۸۶ به ۳۶٪ در ۲۰۰۰ کاهش یافته اند؛ ولی فقر هنوز در هندوستان یک مسأله ی عمده است.

از لحاظ پویایی اقتصادی، هندوستان را می توان از جهاتی مشابه با چین دانست. از لحاظ پایین بودن هزینه ی نیروی کار، این دو کشور با هم مشابه هستند؛ ولی هندوستان از این نیروهای کم هزینه (حتی در بخش متخصصین) برای تقویت بخش صادرات در زمینه ی فناوری اطلاعاتی (خدمات کامپیوتری، برنامه نویسی برای پروژه های بزرگ خارجی، همکاری با شرکت مایکروسافت در نوشتن نرم افزارها)، استفاده کرده است. از آن جا که بخش کشاورزی در هندوستان قادر به رقابت با سایر کشورهای جهان نیست، به این بخش زیاد پرداخته نشده است. با این حال اقتصاد هندوستان در سطح پایین تری نسبت به چین قرار داشته و این روند از ۱۹۹۱ تا ۲۰۰۷ همچنان ادامه دارد.

جدول زیر سهم صادرات و واردات بخش خدمات و تولیدات هندوستان را در کل جهان نشان می دهد.

جدول ۱: سهم صادرات و واردات بخش خدمات و تولیدات هندوستان در کل جهان

۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	
۱/۱	۱	۱	۰/۷	۰/۶	صادرات کالا
۱/۴	۱/۴	۱/۳	۰/۸	۰/۸	واردات کالا
۲/۷	۲/۷	۲/۲	۱/۱	۰/۵	صادرات خدمات
۲/۴	۲/۴	۲	۱/۲	۰/۸	واردات خدمات

منبع: kowalski p Diehl N indias trade integration realizing the potential 2009 working party of the trade committee no8

با توجه به جدول فوق مشاهده می شود که هندوستان بخش خدمات خود را بیشتر از بخش تولیدات صنعتی و کالاهای ملموس تقویت نموده است. به عبارت دیگر، دارایی های غیر ملموس و دانشی در بخش فناوری های پیشرفته اطلاعاتی (رایانه و ...) نقش مهمی را در تقویت اقتصادی این کشور ایفا نموده است. هندوستان بدون تحمیل بارگران تجدید حیات بخش صنعتی خود، با مدیریت مناسب در بخش فناوری اطلاعاتی و استفاده ی بهینه از متخصصین و دانشمندان خود در بخش فناوری اطلاعات از جمله شرکای تجاری شرکت های بزرگ نرم افزاری جهان به شمار آمده و از اعتبار بالایی برخوردار است.

در جدول زیر ارقام، حاکی از پیشی گرفتن هندوستان در بخش فناوری های اقتصادی دانش محور از سایر کشورهای جهان است.

جدول ۲: سهم صادرات بخش خدمات (رایانه ای و فناوری نرم افزاری و ...) هندوستان در کل جهان

۲۰۰۷	۲۰۰۶	۲۰۰۵	۲۰۰۰	۱۹۹۵	
۳۶/۷	۳۷/۹	۳۵/۳	۲۷/۸	۱۷/۸	هندوستان
۲۳/۷	۲۶/۱	۲۸/۲	۲۷/۳	۲۷/۱	جهان

منبع: سازمان تجارت جهانی - ۲۰۰۸

با توجه به جداول فوق مشاهده می شود که میزان صادرات خدمات رایانه ای و فناوری اطلاعاتی هندوستان از متوسط صادرات کل کشورهای جهان در این زمینه بیشتر است.

خط مشی های هند در جهت اقتصاد دانشی (۱۹۵۰ تا ۱۹۹۱)

خط مشی های توسعه ی صنعتی به دو دوره تقسیم می شود: دوره ی اول از دهه ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۱ و دوره ی دوم که از دهه ۱۹۹۱ به بعد شکل گرفته است.

- جدر دوره ی اول مهمترین خط مشی های صنعتی شدن بر این محورها متمرکز بود:
- ۱- جانشینی واردات که براسقلال تأکید می کرد و هیچ اهمیتی برای صادرات قائل نبود.
 - ۲- انتخاب فرآیند خودمختاری برای سراسر تجارت بین المللی هند.
 - ۳- تکیه به بخش دولتی در تولید کالاها و بی توجهی به بخش خصوصی.
 - ۴- عدم وجود سرمایه گذاری خارجی مستقیم یا دست کم عدم توجه به آن.
 - ۵- عدم حمایت از رقابت.
 - ۶- عدم صدور مجوز برای شروع یا گسترش هر نوع فعالیت صنعتی؛ مگر آنکه به استخدام بیشتر از ۵۰ کارگر منجر شود.
 - ۷- عدم حمایت قانون کار از بخش خصوصی.
 - ۸- وجود یک ساختار صنعتی سرمایه طلب به همراه کارخانه های بسیار بزرگ در بخش دولتی.
 - ۹- محدود شدن بخش خصوصی با تولید کالاهای مصرفی.
 - ۱۰- دور نگه داشتن بخش خصوصی به وسیله موانع تعرفه ای بالا، از رقابت خارجی .
- در دوره ی دوم که به دوره ی آزاد سازی یا دوره ی تجدید صنعتی معروف شد. از سال ۱۹۹۱ این خط مشی ها شکل گرفته اند:
- ۱- برنامه ریزی نقش حساس در تجهیز پس اندازها، تخصیص منابع کمیاب و هماهنگی توسعه متعادل ایفا می کند.
 - ۲- توسعه ی اقتصادی از راه خود اتکایی هدف صنعتی سازی بود و بر مبنای علم و تکنولوژی پایه گذاری شده بود.

۳- تأکید اولیه بر صنایع سنگین و کالاهای سرمایه ای اصلی .

۴- صنایع روستایی برای پیدایی استخدام و با نیازهای سرمایه ای کم، مورد حمایت قرار می گرفتند.

۵- سرمایه ی خارجی که اساساً به عنوان سرمایه ی استقراری به دست آمده بودند، از راه موسسات مالی بین کارفرمایان داخلی توزیع شد.

براساس پیش بینی اقتصاددان های بانک جهانی، هندوستان در سال ۲۰۲۰ به تنهایی ۱۲/۲ درصد از رشد جهانی اقتصاد را به وسیله افزایش توان اقتصادی خود محقق خواهد کرد. مطالعات منطقی نشان می دهد که در میان مدت، اقتصاد هندوستان به سریع ترین رشد اقتصادی بین کشورهای جهان دست پیدا خواهد کرد.

به همین نسبت طی این مدت، دیگر شاخص های اقتصادی هندوستان نیز با رشد و جهش چشمگیری روبه رو خواهند بود.

به عنوان نمونه می توان به تجارت بین الملل اشاره کرد. هندوستان اکنون رتبه ۲۴ را در تجارت بین کشورهای جهان دارد و براساس پیش بینی ها در سال ۲۰۲۰ این رتبه به عدد ۱۰ خواهد رسید. قاره آسیا در سال ۲۰۰۵ توانست ۳۵ درصد از GDP جهان را تولید کند که این میزان تا پایان ۲۰۲۰ به عدد ۴۳ درصد خواهد رسید و در این میان سهم هندوستان از GDP جهانی، از رقم ۶/۲ درصد به ۸/۸ درصد خواهد رسید که در نوع خود یک جهش قابل توجه به حساب می آید. (www.aftab.ir)

توسعه ی آسیا اکنون به شدت تحت تاثیر افزایش اشتغال قرار دارد و هندوستان اکنون در مسیری قرار دارد که می تواند این نقش را برجسته سازد. طی ۱۵ سال آینده هندوستان ۳۰ درصد از شبکه ی اشتغال آسیا را به خود اختصاص خواهد داد. میزان

هزینه‌های مصرف‌کننده در جهان امروزه ۲۷ تریلیون دلار در سال است که پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۲۰ به ۶۷ تریلیون دلار برسد. در این زمان آمریکا همچنان مکان اول را از لحاظ بزرگی اقتصادی در جهان خواهد داشت، چین به دومین کشور از نظر داشتن بازار مصرف در جهان تبدیل خواهد شد و هند نیز اگر چه تا رتبه سوم فاصله خواهد داشت اما بخش بزرگی از بازار اروپا را در دست خواهد گرفت. در این زمان سهم هند از هزینه‌های مصرف‌کننده جهانی به ۳/۱ درصد افزایش خواهد یافت. هم‌اکنون این میزان برای هندوستان ۱/۹ درصد است. (www.aftab.ir)

مهم‌ترین عواملی که باعث شده است کارشناسان این پیش‌بینی‌ها را برای هند ارائه کنند، عواملی چون افزایش سرمایه‌گذاری خارجی در هند و افزایش میزان صادرات این کشور آسیایی است. رشد اقتصادی هند اکنون به رقم ۸ درصد رسیده است و این در حالی است که رسیدن به مرز ۱۰ درصد نیز امری دست‌یافتنی برای اقتصاد هند است.

نتیجه

اگر می‌خواهیم در زمینه‌ی دانش محوری هند را به عنوان یک الگوی موفق در نظر گرفته به پیشرفت‌هایی که آن کشور در این زمینه دست یافته برسیم و به اهدافی که در سند چشم‌انداز ترسیم نموده ایم، نایل آییم، توجه به بایسته‌های ذیل پیشنهاد می‌گردد:

بایسته‌های ایران در زمینه‌ی دانایی محوری را می‌توان به صورت زیر فهرست نمود:

۱- اولین گام در اقتصاد مبتنی بر دانایی، آگاهی از نادانی‌هاست. بایستی ضعف‌ها و کاستی‌ها شناسایی شده تا برای تقویت آن‌ها، بشود برنامه‌ریزی صحیح کرد. همچنان که هند همین راه را پیموده است.

محورهای اصلی در توسعه‌ی مبتنی بر دانایی در کشور هند عبارتند از:

الف- سرمایه گذاری در توسعه ی تکنولوژی های برتر

ب- توسعه و رشد صنایع مبتنی بر تکنولوژی های برتر

ج- تکیه بر نیروی کار با مهارت های بالا

د- برنامه ریزی و سازماندهی جدید بنگاه ها، دولت، صنعت و ارتباط آن ها با

یکدیگر

برای افزایش بهره وری با تکیه بر سیاست های فوق، بدیهی است در ایران، تحقق سه مورد اول امکان ندارد؛ زیرا ایران در آغاز راه است. سرمایه گذاری در توسعه ی تکنولوژی های برتر مستلزم توانایی در توسعه ی مرزهای دانش است. دانشگاه های ایران فعلاً می کوشند به مرز دانش برسند. رسیدن به مرز دانش چندان مهم نیست؛ بلکه استقرار و ماندن در مرزهای دانش و سپس توسعه ی آن مرزها مهم است. لازمه ی این کار، حضور فعال در حلقه ی جهانی تحقیقات است که پیش زمینه ی آن حضور فعال و ایجاد ارتباطات قوی در صحنه ی روابط بین المللی است. در وضعیت کنونی، آن چه ایران باید انجام دهد، برنامه ریزی برای به کارگیری دست آوردهای موجود در زمینه ی فناوری اطلاعات برای ارتقای سطح بهره وری است تا از این طریق وارد مرحله ی جدیدی در به کارگیری دانش در توسعه ی اقتصادی شود.

۲- گام دوم، علیرغم اینکه گامی سخت است، اما ممکن به نظر می رسد چون هند این گام اساسی را برداشته و آن، ایجاد پیش زمینه های فرهنگی و نگرش های جدید به رشد و توسعه ی اقتصادی است. عقلانیت بایستی جزئی از زندگی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی ایران باشد و این عقلانیت و تصمیمات عقلایی، بایستی از دولت آغاز شود. اصلاح دولت، الگویی برای اصلاح جامعه است. نه فقط به خاطر عظمت حجم دولت و حضور آن در همه ی صحنه ها؛ بلکه به این دلیل که دولت به لحاظ تاریخی همواره برای جامعه ی ایران الگو بوده است. این عقلانیت به ویژه در حوزه های اندیشه،

مدیریت های اقتصادی و اجتماعی و امنیت قضایی و روابط بین المللی باید برای جامعه کاملاً محسوس باشد.

۳- همچون هند در ایران نیز، تصمیمات عقلایی را باید در بنگاه ها توسعه داد. تمرکز بر آموزش و آشنا سازی بنگاه های بزرگ و متوسط در سطح ملی ضرورت و اهمیت آموزش و فراگیری دائمی، خود منشاء ایجاد ارزش است. آشنا سازی بنگاه ها با اهمیت مسأله ی کیفیت کالاها و رعایت استانداردها از اولویت ویژه ای برخوردار است. برای رسیدن به مرحله ی رقابت در سطح ملی و منطقه ای و در نهایت در سطح بین المللی توجه به استانداردها و کیفیات که لازمه ی ایجاد تقاضا برای دانش محوری در تولیدات است فقط منحصر به عرضه نیست؛ بلکه در بُعد تقاضا هم باید برنامه ریزی کرد. آشنا سازی مصرف کنندگان با موازین و معیارهای استاندارد کالاها و تقاضا برای کالاهایی با کیفیت، بایستی از کودکانها و دبستانها آغاز شود.

۴- همچون هند، راهبردهای توسعه ی صنعتی ایران نیز بایستی در فضای اقتصاد مبتنی بر دانش تدوین شود. باید به این سؤال پاسخ داد که چه بخشی در اولویت قرار گیرد. در این راستا استفاده از تجارب هند و همکاری با شرکت های بزرگ خارجی در چارچوب اقتصاد مبتنی بر دانش، ضروری و اجتناب ناپذیر به نظر می رسد. سرمایه گذاری های خارجی نباید صرفاً برای جذب سرمایه و تولید باشد؛ بلکه برای ایجاد زمینه های ارتقای بهره وری و آشنایی و انتقال مهارت ها و دانش ضمنی از سوی شرکت های معتبر خارجی به شرکت های داخلی باشد. (البته با لحاظ کردن ارزش های فرهنگی و اجتناب از ذلت پذیری)

۵- با توجه به تجربه ی هند در این زمینه، نشر اطلاعات در نهادهای دولتی، برای کارشناسان و بنگاه ها بسیار ضروری است. یافته های کلّیه ی پژوهش های تحقیقاتی باید به زبان ساده در دسترس نمایندگان مجلس، دولتمردان، سیاست گزاران و مدیران بنگاه های بزرگ اقتصادی قرار گیرد.

۶- در هند به این نتیجه رسیده اند که: دانش محوری کردن تصمیمات از طریق تکیه بر نیروهای با تجربه و آگاه ضروری است. مانیز باید ترتیبی اتخاذ نماییم تا ایجاد زمینه های لازم برای آن که دانش و تجربیات موجود که در خلال زمان در بسیاری از نهادهای دولتی به ویژه در معاونت راهبردی رئیس جمهور، بانک ها، شرکت های بزرگ دولتی و نیمه دولتی شکل گرفته، به نسل جوان و مدیران منتقل شود. در ایران باید با تمام توان از تجربیات و مهارت های موجود استفاده کرد. لازمه ی این کار، احترام و توجه ویژه به کارشناسان با تجربه در سازمان ها و نهادهای کارشناسی و تخصصی است.

۷- وبالاخره، ما نیز همچون هندی ها باید توجه داشته باشیم که توسعه ی دانش و بهره گیری از آن در نظام تولید کالاها و خدمات فقط در فضای با ثبات اقتصاد کلان، امکان پذیر است که خود مستلزم ثبات سیاسی، فرهنگی و اجتماعی است. جامعه بایستی به بلوغ سیاسی، فرهنگی و اجتماعی برسد تا بتواند وارد مرحله ی اقتصاد مبتنی بر دانایی شود.

منابع

- ۱- تودارو، مایکل (۱۳۸۲) **توسعه ی اقتصادی در جهان سوم**، ترجمه غلامعلی فرجادی، تهران: کوهسار.
- ۲- جبروند، عبدالله (۱۳۷۳) **توسعه ی اقتصادی**، چاپ چهارم، تهران: سهند.
- ۳- خنیفر، حسین (۱۳۸۳) **آموزش و پژوهش؛ قدرتمند ترین ابزار توسعه**، تهران: مجموعه مقالات همایش ملی نقش آموزش و پرورش در توسعه پایدار. صص ۱۲۷-۱۰۰
- ۴- درخشان، مسعود (۱۳۸۴) **مبانی اقتصاد دانایی محور**، تهران: موسسه ی عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی، شماره ۱، صص ۱۷-۱
- ۵- معمارنژاد، عباس، (۱۳۸۴) **اقتصاد دانش بنیان**، شماره ۱، فصلنامه اقتصاد و تجارت نوین، صص ۹۷-۷۲
- ۶- مکنون، رضا (۱۳۷۶) **علم فناوری و برنامه سوم جمهوری اسلامی ایران**، شماره ۳۵، مجله برنامه و بودجه، تهران: انتشارات سازمان برنامه و بودجه، صص ۵۶-۳۲
- ۷- همتی، عبدالناصر (۱۳۷۶) **نگرشی بر دیدگاهها و مسائل توسعه اقتصادی**، چاپ اول، تهران: سروش

8-Duffield, Mark(), *Global Governance and the New Wars*, London, zod Book.

9-Filho,W.L(2000), **Dealing with Misconception on the Concept of Sustainability** , **International Journal of Sustainability in Higher Education** ,vol,1,No.1.

10-kowalski. P,Diehl .N(2009) **indias trade integration realizing the potential**, working party of the trade committee No.8

11 -www. World Bank , Reserve Bank of India, Economic stabilizing Board,Japan

12-www. aftab.ir/c2c1202466715_india_p1.php

